The Quarterly Journal
Motaleate Tablighe Dini
Vol.1/issu.2/ Autumn 2023

The Application of the Principle of "Gradualness" in the Legalization of the Religious Hijab, Based on the Historical Order of Revelation of the Verses; Quranic Model of Promoting Hijab

Nahid Tayebi[1]

Recived Date: 2023/08/24 Accepted Date: 2023/05/23

Examining the quality of legalization of rulings, by considering the historical order of the revelation of chapters and verses of Quran, opens a new window in the analysis of jurisprudential rulings and the model of explanation, deepening and propagation for the researcher. The current research, with descriptive analytical method, aims to answer the question of "what was the process of legislating the rule of Islamic hijab based on the historical order of revelation?" and "what kind of propagating model does it present to the contemporary period?". The findings show that according to the historical order of revelation, the engineering of applying hijab (veil) in the Holy Quran, from the verses of "veiling" to the "obligation of religious hijab", is organized in four chapters and six stages, based on the "gradualness principle" in the psychology of learning. In the chapters of A'raaf (Surah 38), Nahl (Surah 70), Ahzab (Surah 90) and Noor (Surah 103) the path from "covering" up to the "legal hijab" is followed in six stages: expressing the innate need of human beings to covering, mentioning the means of preparing the covering and its adornments, the natural function of the covering, which is protection from warmth and coldness, the legislation of specific hijab for the women and daughters of the Prophet (PBUH) and the women of the believers, and the legislation of general legal hijab, and the last stage, the permission for elderly women in hijab. Of course, the description of the virtues of the heavenly women with the terms of "chaste" and "having clothing" can also be seen in the chapters of Tur (Surah 34), Ṣād (Surah 38), Al-Waqi'a (Surah 46), As-Saaffat (Surah 56), and Al-Rahman (Surah 97). Following the Quranic model of "gradually legislating the legal hijab", it is possible to present a new method in promoting, deepening and propagating the ruling of hijab, and use "thought" in the first step and then "motivation" and "introduction of exemplars", to shape the behavior and life with hijab and chastity.

Keywords: Religious hijab, Promoting hijab, Historical order of revelation, Principle of gradualness, Quranic model of promotion.

1 - PhD in History of Ahl al-Bayt, Al-Zahra University, Qom, Iran, Tayyebi110@yahoo.com.

فصلية علمية محكمة
مطالعات تبليغ دينى
سنة الأول، العدد ٢، الخريف ١۴۴۵هـ

تطبيق "مبدأ التدرّج" فى تشريع الحجاب الشرعى على أساس الترتيب التاريخى لنزول الآيات؛ النموذج القرآنى للدعوة إلى الحجاب

ناهيد طيبى[1]

الإستلام: ۱۴۴۴/۱۱/۰۶ القبول: ۱۴۴۵/۰۲/۰۷

إن دراسة كيفية تشريع الأحكام على ضوء الترتيب التاريخى لنزول السور والآيات تفتح أمام الباحث نافذة جديدة فى تحليل الأحكام الفقهية وفى إعطاء نموذج منهج التفهيم والتعميق والدعوة. يهدف هذا البحث عبر المنهج الوصفى والتحليلى إلى الإجابة عن سؤال حول كيفية عملية تشريع حكم الحجاب الشرعى على أساس الترتيب التاريخى للنزول وما يقدمها من نموذج فى الدعوة إلى الفترة المعاصرة. تشير النتائج إلى أن وفق الترتيب التاريخى لنزول الآيات، تتمّ هندسة الحجاب فى القرآن الكريم، من آيات التستر إلى فرض الحجاب الشرعى، تجرى فى أربع سور وست مراحل على أساس "مبدأ التدرّج" وهو مبدأ فى علم نفس التعلم. نجد فى سورة أعراف (سورة ٣٨)، نحل (آية ٧٠)، سورة أحزاب (آية ٩٠) ونور (آية ١٠٣) أن الأمر من التستر حتى الحجاب الشرعى ينطوى على ست مراحل وهى التعبير عن حاجة البشر الفطريةإلى التستر، بيان آليات توفير الغطاء وزينته، والأداء الطبيعى للحجاب وهو الحماية من الحر والبرد، وتشريع الحجاب الخاص بنساء وبنات الرسولﷺ، ونساء المؤمنين، والتشريع العام للحجاب الشرعى، والمرحلة الأخيرة هى السماح للنساء كبار السن. كما نجد وصف فضائل النساء السماويات المتسترات والعفيفات فى سور طور (الآية ٣٤)، ص (الآية ٣٨)، الواقعة (الآية٤٦)، صافات (الآية ٥٦)، سورة الرحمن(الآية ٩٧). وباتباع النموذج القرآنى "للتشريع التدريجى للحجاب الشرعى"، يمكن تقديم منهج جديد فى ترويج وتعميق والدعوة إلى حكم الحجاب، فيتحقّق ذلک من خلال التفكير أولا ثم التحفيز وتقديم النماذج المعيارية لتوجيه السلوک والحياة بالحجاب والعفاف.

الكلمات المفتاحية: الحجاب الشرعى، الدعوة إلى الحجاب، الترتيب التاريخى للنزول، مبدأ التدرج، النموذج القرآنى للدعوة.

۱. دكتوراه تاريخ أهل البيتﷺ جامعة الزهراء، قم، إيران،Tayyebi110@yahoo.com.

فصلنامه علمی ـ تخصصی
مطالعات تبلیغ دینی
سال اول، شماره دوم، پاییز ۱۴۰۲

کاربست «اصل تدرّج» در تشریع حجاب شرعی بر اساس ترتیب تاریخی نزول آیات؛ الگوی قرآنی تبلیغ حجاب

ناهید طیبی[۱]

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲

چکیده

بررسی کیفیت تشریع احکام با توجه به ترتیب تاریخی نزول سوره‌ها و آیات، دریچه‌ای نو در تحلیل احکام فقهی و الگویی برای روش تفهیم، تعمیق و تبلیغ فراروی محقق می‌گشاید. تحقیق حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش است که روند تشریع حکم حجاب شرعی بر اساس ترتیب تاریخی نزول، چگونه بوده و چه الگوی تبلیغی به دوره معاصر ارائه می‌دهد. یافته‌ها نشان می‌دهد مطابق با ترتیب تاریخی نزول، مهندسیِ حجاب در قرآن کریم از آیاتِ پوشیدگی تا وجوب حجاب شرعی بر اساس «اصل تدرّج» در روان‌شناسی یادگیری، در چهار سوره و شش مرحله تنظیم شده است. در سوره‌های اعراف (سوره ۳۸)، نحل (سوره ۷۰)، احزاب (سوره ۹۰) و نور (سوره ۱۰۳) از پوشیدگی تا حجاب شرعی در شش مرحله بیان نیاز فطری بشر به پوشیدگی، ذکر ابزار تهیه پوشش و زینت‌های آن، کارکرد طبیعی پوشش که حفاظت از گرما و سرماست، تشریع حجاب اختصاصیِ زنان و دختران پیامبرﷺ و زنانِ مؤمنان و تشریع حجاب شرعی عمومی صورت می‌گیرد و آخرین مرحله، رخصت به زنان سالخورده است. البته توصیف محاسن زنان بهشتی با پوشیدگی و زیّ عفیفانه نیز به‌ترتیب در سوره‌های طور (سوره ۳۴)، ص(سوره ۳۸)، واقعه (سوره ۴۶)، صافات (سوره ۵۶) و الرحمن (سوره ۹۷) دیده می‌شود. با بهره‌گیری از الگوی قرآنی «تدریج در تشریع حجاب شرعی» می‌توان در ترویج، تعمیق و تبلیغ حکم حجاب، شیوه نو ارائه داد و ابتدا از اندیشه و سپس از انگیزه و معرفی نمونه‌های تراز جهت شکل‌دهی رفتار و زیست باحجاب و عفیفانه بهره برد.

واژگان کلیدی: حجاب شرعی، تبلیغ حجاب، ترتیب تاریخی نزول، اصل تدرّج، الگوی قرآنی تبلیغ.

۱. دکترای تاریخ اهل‌بیت، جامعةالزهرا، قم، ایران، Tayyebi110@yahoo.com.

مقدمه

حجاب شرعی از جمله احکام فقهی اسلام است که آیات، روایات، سیره معصومان ﷺ و عقل از مستندات آن به شمار می‌روند. از آنجا که قرآن کریم، قطعی السند و صحیح الصدور است، اثبات حجاب با استناد به آن نسبت به دیگر منابع معرفتی اسلام، اهمیت بیشتری دارد. انتشار شبهه «عدم وجود حکم حجاب در قرآن» در فضای مجازی و حتی برخی محافل علمی، ضرورت پرداختن به این موضوع را بیش از پیش آشکار می‌کند. اما مسئله تحقیق حاضر کیفیت تشریع حجاب در قرآن و ارائه الگو و مدلی جهت تبلیغ این واجب الهی به جوامع اسلامی است؛ به این معنا که تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش است که تشریع حکم حجاب شرعی در قرآن کریم بر اساس ترتیب تاریخی نزول، چگونه بوده و چه الگوی تبلیغی برای عصر حاضر می‌توان استخراج نمود؟ با نگاهی جامع به آیات قرآن و ارتباط منطقی بین آنها می‌توان به نحوه و مدل تشریع حجاب شرعی دست یافت. منطقِ ارتباط آیات از پوشیدگی تا حجاب شرعی، زمانی رخ می‌نماید که با توجه به ترتیب تاریخی نزول آیات ـ و نه بر اساس ترتیب موضوعی ـ بررسی شود. به نظر می‌رسد با الگوی قرآنی تشریع احکام، بتوان شیوه‌های مناسبی جهت تعمیق و ترویج حجاب برای جامعه امروز استخراج نمود و آستانه پذیرش این حکم الهی را افزایش داد.

پژوهش‌های قرآنی قابل توجهی با محوریت بحث حجاب در قرآن صورت گرفته است. یکی از آنها مقاله «حجاب در قرآن» نگاشته دکتر سیدجعفر شهیدی (در: پژوهش‌های قرآنی، شماره ۲۵ـ۲۶، ۱۳۸۰، ص۸۱ـ۸۴) است. در این مقاله واژه‌های اختصاصی حجاب در قرآن با توجه به واژه‌شناسی عصر نزول در خلال اشعار عربی تعریف شده؛ اما به کیفیت تشریع پرداخته نشده است. در مقاله «روش قرآن در طرح مسئله حجاب» نوشته مریم حاجی عبدالباقی (در در: نامه الهیات، دانشگاه آزاد تهران شمال، ۱۳۸۶، شماره اول) تنها در بخشی از مطالب نزدیک به مسئله نوشتار حاضر است. مقاله دیگر «روش قرآن در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف (با رویکرد ترتیب نزول)» نوشته عبدالرضا زاهدی، مریم نظربیگی و ایوب امرایی (در: **مطالعات راهبردی زنان**، ۱۳۸۹، شماره ۴۹) است. در این مقاله که با توجه به عنوان آن به نظر می‌رسد موازی با مقاله حاضر است، با مطالعه اثر تفاوت‌های قابل توجهی دیده می‌شود. مراحل سه‌گانه تعلیم حجاب، ایجاد بینش درباره مفهوم حجاب، فرهنگ‌سازی و درنهایت، قانون‌گذاری و تشریع ذکر می‌شود که با روش و زاویه دید نوشتار حاضر متفاوت است. منبع دیگر مقاله «حجاب و مراحل تشریع آن در قرآن» نگاشته رقیه صادقی نیری (در: فصلنامه قرآنی آفاق دین، ۱۳۸۹، شماره اول) است. نویسنده

ضمن آنکه حجاب را از نوآوری‌های احکام اسلامی می‌داند، سه مرحله را برای تشریع حجاب بیان می‌کند: حجابِ خاص زنان پیامبرﷺ که در سوره احزاب تشریع شد؛ حجاب عمومی که در آیه ۵۹ احزاب مطرح می‌شود و زنان دیگر امر به حجاب می‌شوند و در مرحله آخر حجاب برتر است که در سوره نور خطاب به همه زنان نازل شد (صادقی نیری، ۱۳۸۹، ص۷۷ـ۸۱). وجه تمایز اثر حاضر با مقاله یادشده ارائه منطق ارتباط آیات حجاب با توجه به ترتیب تاریخی نزول است که با اثر مذکور تفاوت ماهوی دارد.

مقاله «سیر تطور تفسیر آیات قرآنی حجاب (احزاب ۵۹ و نور ۳۱)» متعلق به فاطمه توفیقی در سال ۱۳۹۶ است. بر اساس این مقاله در دوران مدرن یعنی اواخر قرن ۱۹ میلادی تفسیر آیات حجاب به‌ویژه توجیه همراه با آن تحول می‌یابد. قبل از این قرن، مفسران توجیه حجاب را به فاصله طبقاتی میان زنان آزاد و کنیز مربوط می‌کردند؛ اما بعد در دوره مدرن مهم‌ترین هدف برای پوشش سر، حفظ عفاف فردی و اجتماعی دانسته می‌شود. ظهور توجیهات عقلانی برای احکام پس از دوره اصلاح، الغای برده‌داری و منتفی‌شدن مسئله کنیز، حضور فعال زنان در جامعه از عوامل این تحول در توجیه مسئله حجاب است. مقاله یادشده با محوریت آیات حجاب در منابع تفسیری شکل گرفته و نوعی تحلیل محتوا انجام می‌شود؛ اما تمرکز در مقاله حاضر بر خود آیات و ارتباط منطقی آنان با یکدیگر فارغ از تفسیرهای مفسران است.

کتاب **روش فرهنگ‌سازی پاکدامنی در قرآن** نگاشته استاد عبدالکریم بهجت‌پور (چاپ نشر هاجر در سال ۱۳۹۹) را نیز به لحاظ استفاده از ترتیب تاریخی نزول از پیشینه‌های این اثر می‌توان برشمرد که در آن به مراحل تغییر و سیر قرآنی تحول از آلودگی جنسی به پاکدامنی پرداخته شده است. وجه تمایز تحقیق حاضر با اثر یادشده تمرکز بر مسئله تشریع حکم حجاب در قرآن است.

الف) مفهوم‌شناسی

۱. اصل تدرّج در انتقال پیام

در مباحث یادگیری دو اصطلاح زنجیره‌سازی و یادگیری سلسله‌مراتبی به قانون تدرّج اشاره دارد. در زنجیره‌سازی یک رفتار پیچیده را به رفتارهای ساده‌تر تقسیم می‌کنند و با آموزش‌دادن رفتارهای ساده و اتصال آنها به یکدیگر رفتار پیچیده را یاد می‌دهند (سیف، ۱۳۸۶، ص۴۴۸)؛ مثلاً به فرد عقب‌مانده‌ای که قادر نیست بسته‌ای از اقلام متعدد درست کند، به‌تدریج بخشی به آموزش

اضافه می‌شود و با استفاده از این روش ساختن بسته را به او یاد می‌دهند (سیف، ۱۳۸۶، ص۱۴۱). در روش تدریج و تمرکز محدود، مبلّغ هر بار روی بخش کوچکی از پیام‌های تربیتی متمرکز می‌شود و آن را به‌تدریج گسترش می‌دهد. در میان نظریه‌پردازان مهم روان‌شناسی یادگیری، ثرندایک،[1] روان‌شناس آمریکایی که از پیشگامان تداعی‌گرایی است، به مشخصه تدریج در یادگیری توجه بیشتر دارد. برخی مشخصه‌های اصلی یادگیری در نظریه ثرندایک عبارت‌اند از:

الف) یادگیری فرایندی تدریجی است.

ب) برای ایجاد تداعی نیرومند، تمرین اهمیت ویژه‌ای دارد.

ج) انگیزش (حالت سائق) برای یادگیری شرطی مهم است (درتاج و خانی، ۱۳۹۳، ص۶۵ـ۶۶).

در اصل نزول قرآن کریم، تشریع احکام الهی مانند حرمت خمر و وجوب حجاب و... نیز اصل تدریج استفاده شده است: «**و قُرْآنًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا**: و قرآنی [با عظمت را] بخش‌بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به‌آرامی به مردم بخوانی و آن را به‌تدریج نازل کردیم» (اسراء، ۱۰۶). از جمله الگوهای قرآنی استفاده از اصل تدرّج در تشریع احکام، حکم حرمت خمر است. ترتیب نزول آیات چه موضوعی باشد مانند قرآن‌های موجود و چه ترتیب تاریخی، حرمت شراب بر اساس سیر منطقی طی شده است؛ به این معنا که بر اساس ترتیب موجود، بقره (سوره ۲)،[2] نساء (سوره ۴)[3] و مائده (سوره ۵) است و بر اساس ترتیب تاریخی نزول، ترتیب سوره‌ها به صورت بقره (سوره ۸۷)، نساء (سوره ۹۲) و مائده (سوره ۱۱۳)[4] است و در هر دو صورت سیر تدریجی و گام به گام برای تشریع صورت گرفته است. به لحاظ محتوا ابتدا در آیه اول، گناه و البته منافع طبیعی شراب که بسیار کمتر از مضرات آن است، در کنار یکدیگر بیان می‌شود و در آیه دوم با ایجاد محدوده زمانی توصیه می‌شود که به هنگام مستی سراغ نماز نروند بدون حکم حرمت؛ اما در مرحله نهایی که حرمت اعلام می‌شود، شراب به عنوان امری پلید در ردیف قمار، قرعه و بت قرار می‌گیرد.

---

1. Thorndike.

۲. درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند، بگو «در آن دو، گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است، و[لی] گناهشان از سودشان بزرگ‌تر است (بقره، ۲۱۹).

۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه میگویید (نساء، ۴۳).

٤. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شراب و قمار و بت‌ها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطان‌اند، پس از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید (مائده، ۹۰).

۲. حجاب شرعی

واژه حجاب از ریشه «حجب» و به معنای مانع است و از نظر لغوی به معنای هر چیزی است که مانع رسیدن (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج۳، ص۸۶) یا داخل‌شدن (راغب اصفهانی، ص۲۱۹) چیزی به چیز دیگر شود. معادل فارسی حجاب واژه‌های «پوشش»، «پوشیدگی»، «بدن‌داری» و «مدیریت بدن» ذکر می‌شود (کیادربندرسری، ۱۳۹۴، ص۷۹)؛ اما به نظر می‌رسد این واژه‌ها نمی‌توانند دربردارنده مجموعه ابعاد حکم حجاب شرعی باشند. گرچه حجاب به معنای ستر و پوشش هم آمده است، معنایی گسترده‌تر از ستر دارد و می‌توان گفت پوشش، تنها یکی از موارد حجاب است؛ زیرا ممکن است کسی پوشش داشته باشد، ولی حجاب را که مانعیت از دخول و وصول حرام است، نتوان برای او تصور کرد. ابوهلال عسکری در تفاوت بین حجاب، ستر و غطا به چند مورد اشاره می‌کند:

تعبیر «**حجبنی فلان عن کذا**» به کار می‌رود، اما نمی‌توان گفت: «**سترنی عنه**» یا «**غطانی عنه**» و حجاب و ستر هر دو با حرف تعدی «باء» می‌آیند و باید گفت «**حجبت بشیء**» و همچنین «**تسترت بشیء**».

حجاب هم مانع است و هم به وسیله آن منع می‌شود (مانع و ممنوعٌ‌به)؛ اما ستر فقط «مستورٌبه» است؛ یعنی به وسیله آن پوشانده می‌شود. حجاب منع از دخول می‌کند؛ اما «ستر» منع از دخول نمی‌کند برای آنچه مستور نگاه داشته می‌شود (ابوهلال عسکری، ۱۴۱۲، ص۱۷۶).

در مورد دو واژه «بدن‌داری» و «مدیریت بدن» نیز هنگامی که در فقه از بدن سخن گفته می‌شود، مراد بخشی جدای از سر و گردن است و با کاربست واژه «بدن‌داری» یا «مدیریت بدن»، پوشش سر، مو و گردن با ظرافت از محدوده حجاب شرعی خارج می‌شود.

درمجموع به لحاظ لغوی چهار تعریف زیر برای حجاب مطرح است:

ـ آنچه مانع از رسیدن چیزی به چیز دیگر می‌شود.

ـ چیزی که مانع از داخل‌شدن می‌شود.

ـ واسطه بین دو چیز (حایل بین دو چیز).

ـ پرده یا پوشیدگی خاص که از طریق پشت پرده واقع شده باشد.

به عبارتی شاخصه‌های اصلی حجاب در حوزه لغت، «مانعیت»، «حایل‌بودن» و«پوشیدگی» است و استفاده از واژه حجاب در جوامع اسلامی به عنوان معادل عربی «سَتر»، معادل فارسی «پوشیدگی» از باب تسامح است. درنتیجه واژه معادل پوشیدگی ستر است نه حجاب؛ اما از آنجا

که به لحاظ کاربرد فراوانِ حجاب به جای سَتر در طول تاریخ، تبدیل بـه غلـط مصـطلَح و مشـهور شده، قابل پذیرش است. به لحاظ جامعه‌شناختی، حجاب به مثابه کنش اجتمـاعی اسـت کـه فـرد کنش‌گر برای آن معنایی ذهنی و ارزشی نمادین قایل است و عمل یا کنش او در ارتباط با دیگران در عرصه ارتباطات میـان فـردی و تحـت تـأثیر دریافـت انتظـارات دیگـران در حـوزه عمـومی اسـت (محبوبی‌منش، ۱۳۸۵، ش۳۸).

حجاب شرعی که نقطه تمرکز این تحقیق است، میزان پوشیدگی است که از ناحیه دیـن تشـریع شده است. جایگاه بحث حجاب در منابع فقهی تا قبل از رساله عملیه امام خمینی در **کتاب الصلوه** بخش ستر صلاتی و در باب «فی الستر و الساتر» بود و احکـام حجـاب غیـر نمـاز هـم در ضـمن مسـائل پوشـش در نمـاز بـود (طباطبـایی یـزدی، ۱۴۰۹، ج۱، ص۳۹۲). در نوشـتار حاضـر واژه پوشیدگی دامنه معنایی عام و وسیع‌تری نسبت به حجاب شرعی دارد و می‌توان آن را قاعـده هِرمـی فرض کرد که در رأس آن حجاب قرار دارد.

ب) مروری بر ترتیب تاریخی سوره‌ها و آیات قرآن

در مورد ترتیب سوره‌ها و آیات قرآن دو دیدگاه وجود دارد؛ برخی معتقـد بـه تـوقیفی‌بـودن آن و ترتیب و تنظیم از ناحیه خداوند توسط پیامبرﷺ هستند و برخی دیگر اجتهادی‌بودن آن را باور دارند و می‌گویند در زمان پیامبر، قرآن به صورت مصحف و کتاب مدون نبود و بعدها با اجتهـاد صـحابه ترتیب فعلی را یافت. گرچه پیش از سیوطی عالمان دیگری به مسئله ترتیـب سـوره‌ها و آیـات قـرآن پرداخته‌اند، اما سیوطی در **اسرار ترتیب القرآن** که در آن به طور مستقیم بحث ترتیب آیـات و سـوَر را پی می‌گیرد، به اختلاف علما در ترتیب سوره‌ها و توقیفی‌بودن آن بعد از اجماع بر ترتیـب آیـات بـه صورت توقیفی و قطع بر این مسئله می‌پردازد (سیوطی، بی‌تا، ص۶۸). وی در کتاب **الاتقان فی علوم القرآن** (سیوطی، ۱۴۲۱، ج۱، ص۱۶۷) و زرقانی در **مناهل العرفان فی علوم القرآن** (زرقـانی، بـی‌تـا، ج۱، ص۳۴۶) بر مسئله توقیفی‌بودن و دخالت مستقیم پیامبر اکرم در ترتیب آیات هر سوره ادعای اجماع کرده‌اند. برخی دیگر معتقدند ترتیب آیات، توقیفی است، اما در مورد ترتیب سوره‌ها اخـتلاف نظـر هست (القاری، ۱۴۲۲، ج۵، ص۱۰۹)؛ برای نمونه مالک و ابـن‌فـارس قایـل بـه اجتهـاد صـحابه‌انـد (نفراوی مالکی، ۱۴۱۵، ج۱، ص۶۶). به اعتقاد علامه طباطبایی فراز «وَ رَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلاً» اشاره به نظـم خاص قرآن در هنگام نزول آیات و سوره‌ها دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۵، ص۲۱۳).

بر اساس روایتی از امام صـادق ﷺ چینش و ترتیب آیات در سوره‌ها به همان ترتیب طبیعی نـزول

بوده است. آن حضرت فرمود: «رسم این بود که با نزول بسم الله الـرحمن الـرحیم در آغـاز سـوره بعد، به‌انتهارسیدن سوره قبل شناخته می‌شـد» (عیاشـی، ۱۳۸۰ق، ج۱، ص۱۹؛ سـیوطی، ۱۴۰۴، ج۱، ص۷). گرچه به نقل از ابن‌عباس آمده است پیامبرﷺ پایان سوره را با نزول بسـم اللـه الـرحمن الرحیم می‌شناخت، پس می‌فهمید که سوره به پایان رسیده و سوره دیگری شـروع شده‌اسـت (فخـر رازی، ۱۴۲۰، ج۱، ص۱۸۲؛ یعقوبی، ۱۴۱۳، ج۲، ص۲۷)؛ اما نزول تدریجی دوازده‌ساله سوره بقـره، نزول ۸۳ آیه اول آل عمران در سال سـوم و نـزول بقیـه در سـال نهـم و... (معرفـت، بـی‌تـا، ص۵۶) می‌تواند مورد نقضی برای این حدیث باشد و قابل تأمل است. گفتـه مـی‌شـود در چینـش آیـات در سوره‌ها ترتیب طبیعی نزول مطرح بوده و آن گروه از صحابه و مسلمانان که نگارنـده و حـافظ قـرآن بودند، آیات را بر همین سیاق نگاشته یا به حافظه می‌سپردند (ر.ک: معرفـت، ۱۴۱۰، ج۱، ص۲۷۶). وجود آیه تحدی (بقره، ۲۳) و آیاتی که واژه سوره را دارد (نور، ۱؛ توبـه، ۱۲۴؛ توبـه، ۱۲۷؛ توبـه، ۶۴، یونس، ۳۸؛ هود، ۱۳؛ محمد، ۲۰) نشان‌دهنده مشخص‌بودن سوره‌ها از قبل است. در عصـر حاضـر برخی، آیات را بر اساس موضوع دسته‌بندی کرده، سپس با الگوی «ریاضی» زمان نزول هر دسـته را در طول ۲۳ سال بعثت پیامبر به دست آورده انـد و برخـی دیگـر سـوره‌ها را بـه صـورت یکپارچـه شماره‌گذاری کرده‌اند. این مدل از واقع نزول دور بوده و با روایات ترتیب نزول که محـور اصـلی در ترتیب سوره‌هاست، مخالف اسـت و مـورد نقـد محققـان قـرار گرفتـه اسـت (بهجـت‌پـور، ۱۳۹۴، ص۱۹۲-۱۹۶). گفته می‌شود مشکل عمده این کار در منطـق و شـیوه کشـف جـدول ترتیـب نـزول سوره‌ها است (بهجت‌پور، ۱۳۹۴، ص۱۹۵). در هر حال ترتیب نزول بحثی اختلافی اسـت کـه بـا وجود تحقیقات بسیار هنوز به نتیجه واحد نرسیده است.

یعقوبی پس از ذکر این مقدمه که پس از رحلت پیامبر ﷺ، امیرالمؤمنین علـی ؑ قـرآن را جمـع کرد، ترتیب کاملاً متفاوتی برای قرآن با اسامی هر جزء و هر سوره ذکر می‌کند. این ترتیـب عبـارت است از: جزء اول جزء بقره است با ۸۸۶ آیه و پانزده سوره؛ جـزء دوم آل عمـران بـا ۸۸۶ آیـه و ۱۶ سوره؛ جزء سوم جزء نساء است با ۸۸۶ آیه و ۱۶ سوره؛ جزء چهارم مائده است بـا ۸۸۶ آیـه و ۱۵ سوره؛ جزء پنجم جزء انعام است با ۸۸۶ آیه و ۱۶ سوره؛ جزء ششم جزء اعراف است بـا ۸۸۶ آیـه و ۱۶ سوره و جزء هفتم جزء انفال است با ۸۸۶ آیه و ۱۵ سوره (یعقـوبی، بـی‌تـا، ج۲، ص۱۳۵). بـه گفته یعقوبی ۳۲ سوره از قرآن در مدینه بر رسول خدا نازل شد کـه بـه ترتیـب عبـارت‌انـد از: ویـل للمطففین، بقره، انفال، آل عمران، حشر، احزاب، نور، ممتحنه، انا فتحنا لـک، سـوره نسـاء، سـوره حج، سوره حدید، سوره محمد، هل اتی علی الانسان، سوره طلاق، سوره لـم‌یکـن، سـوره جمعـه،

تنزیل سجده، مؤمن، اذا جاءک المنافقون، مجادله، حجرات، تحریم، تغابن، صف، مائـده، بـراءه، اذا جاء نصر الله و الفتح، اذا وقعت الواقعة و العادیات و معوذتین هر دو با هم (یعقوبی، بی‌تـا، ج۲، ص۴۳). تدوین قرآن توسط امام علی ﷺ پس از رحلت رسول خدا ﷺ بر اساس ترتیب تاریخی نزول و همراه با نگارش شأن نزول‌ها انجام شده است (کوفی، ۱۴۱۰، ص۳۹۸ـ۳۹۹؛ ر.ک: ابن‌ندیم، بی‌تـا، ص۳۰). امام علی ﷺ ضمن خواندن خطبه‌ای در مسجد، آن را بر ابـوبکر و همراهـان او عرضـه کـرد (کلینی، ۱۴۰۴، ج۸، ص۱۸)؛ امـا ابـوبکر آن را نپـذیرفت (بخـاری، ۱۴۰۱، ج۵، ص۲۱۰؛ ابـن‌سـعد، ۱۴۱۸، ج۲، ص۲۷۱؛ ابن‌ندیم، بی‌تا، ص۳۰). بر اساس این ترتیب، سوره احزاب در جزء دوم است و سوره نور در جزء ششم.

ترتیب تاریخی نزول بر اساس نقل ابـن‌عبـاس در منـابع ثبـت شـده (یعقـوبی، ج۲، ص۲۶ـ۳۵؛ ابن‌ندیم، بی‌تا، ص۴۳ـ۴۷) و آیت‌الله معرفت ترتیبی مشابه ابن‌عباس می‌آورد با این تفاوت که شـماره سوره نور ۱۰۳ است؛ در حالی که در ترتیب ابن‌عباس، سوره ۱۰۲ بوده و سـوره‌هـای بعـد از آن نیـز جابه‌جایی مختصری دارد (معرفت، بی‌تا، ص۵۶). در ترتیب بازرگـان سـوره احـزاب، شـماره ۱۰۲ و سوره نور، شماره ۱۰۵ است. در هر حال احزاب قبل از سـوره نـور نـازل شـده اسـت. تقـدم سـوره احزاب بر سوره نور نمایانگر سیر منطقی و تدرّج در بیان احکام حجاب است؛ به این معنا که منطقاً ابتدا برای افراد خاص و منتسب به رسول خدا حکم جاری می‌شود و سپس برای عموم جامعه همان گونه که در ابلاغ رسالت و توحید پیامبرﷺ مأمور به انذار عشیره و نزدیک‌ترین افـراد قبیلـه خـویش شد و پس از سه سال با آیه «فَاصْدَعْ بِما تُؤْمَرُ» (حجر، ۹۴) دستور انذار و تبشیر عمومی صادر شد.

درمجموع با وجود اختلافات زیاد در شماره و تقدم و تأخر سوره‌ها که ممکن است برای تحقیق در برخی مسائل و موضوعات اشکال ایجـاد شـود، خللـی در ترتیـب معنـادار آیـات حجـاب وارد نمی‌شود و می‌توان با توجه به ترتیب نزول تاریخی، ارتباط منطقی بین آیات حجاب را کشـف کـرد. به دلیل فعالیت‌های گسترده پژوهشی آیت‌الله معرفت در علوم قرآن و تمرکز وی بر ترتیـب تـاریخی نزول، نیز معاصربودن و نزدیک‌بودن زمان تحقیق وی به تحقیق حاضر که نمایـانگر پـرداختن او بـه آثار پیشین است، در نوشتار حاضر، ترتیب مورد نظر وی پایه تحقیق قرار گرفت.

ج) مراحل شکل‌گیری حکم حجاب شـرعی، الگـوی تبلیـغ حجـاب در عصر حاضر

امروزه استفاده از شیوه‌های روش‌مند در تبلیغ حجاب شرعی در جوامع اسلامی اهمیـت ویـژه

دارد و نیازمند الگویی مناسب است. تبلیغ به معنای انتقال مکـرر اندیشـه‌های روشـن اسـلامی در جهت اثرگذاری بر افکار و اعمال انسان‌ها با مؤثرترین شیوه‌ها و ابزارهای مشـروع اسـت (سـپنجی، ۱۳۹۰، ص۱۲۳). از سویی به اعتقاد روان‌شناسـان هـر رفتـاری کـه از انسـان سـر می‌زنـد، معلـول یادگیری است؛ به این معنا که یک رشته از یادگیری‌های ساده‌تـر موجـب یـادگیری‌هـای پیچیـده‌تـر می‌شوند و چون محیط زندگی افراد آدمی همواره در معرض تغییر است، انسان بـرای غلبـه بـر ایـن دگرگونی‌ها ناچار از یادگیری است (پارسـا، ۱۳۷۲، ص۱۶)؛ به عبارتی یادگیری تغییری است کـه بـر اثر تجربه یا آموزش در رفتار موجود زنده پدید می‌آید (پارسا، ۱۳۷۲، ص۱۹). برای ترسیم الگـوی قرآنی جهت تبلیغ حجاب آگاهی از مراحل تشریع حجاب شرعی ضرورت دارد.

با توجه به ترتیب تاریخی نزول و بر اساس طبقه‌بندی جدیدی می‌توان گفـت آیـات مربـوط بـه حجاب و پوشش در چهار سوره بر اساس منطقِ تدریج، تنظیم شده است. مجموع سوره‌هایی که در آنها به‌تصریح یا تلویح به اصل پوشیدگی و حجاب پرداخته شده است، به ترتیب تاریخی نـزول ـ و نه ترتیبِ قرآن‌های موجود ـ بر مبنای ترتیب استخراج‌شده توسط آیـت‌اللـه معرفـت عبـارت‌انـد از: اعراف (سوره ۳۸)، واقعه (سوره ۴۶)، صافات (سوره ۵۶)، نحل (سوره ۷۰)، احزاب (سوره ۹۰)، الرحمن (سوره ۹۷) و نور (سوره ۱۰۳) که با دقت در مضامین آیات مربـوط بـه پوشـیدگی در ایـن سوره‌ها متوجه مرحله‌ای و تدریجی‌بودن شکل‌گیـری حکـم حجـاب و آگاهی‌هـای مربـوط بـه آن خواهیم شد. بر اساس ترتیب تاریخی پیش‌گفته مراحل شـکل‌گیـری حکـم عمـومی حجـاب را بـه صورت موضوع محور، به شکل زیر می‌توان تنظیم نمود:

۱. بیان نیاز فطری انسان به پوشیدگی

در سوره اعراف (آیه ۳۸) به قضیه‌ای تاریخی یعنی برهنه‌شدن آدم و حوا در بهشت پس از فریب شیطان اشاره می‌شود. سپس نزول لباس برای نوع بشر (بنـی‌آدم) و کـاربرد آن (پوشـش و زینـت) و توصیه به مراقبت از خود که در معرض فریب شیطان قرار نگیرند تا مانند آدم و حوا برهنگی عـارض آنان نشود، بیان شده است. گرچه مضمون این آیات با حجاب اصـطلاحی شـرعی مـورد نظـر ایـن نوشتار ارتباطی ندارد و به مثابه گزاره‌ای تاریخی اسـت کـه از بخشـی حـوادث قبـل از هبـوط خبـر می‌دهد، در بخش سوم آیه، توصیه‌هایی در مورد پوشیدگی به فرزندان آدم می‌شود و نمی‌توان گفـت پوشش آدم و حوا ربطی به سیر تدریجی تشریع حجاب ندارد. این آیاتِ ناظر به پوشیدگی عبارت‌اند از:

اعراف، ۲۲: «فَلَمَّا ذاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُما سَوْآتُهُما وَ طَفِقا یخْصِفانِ عَلَیهِما مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ: و هنگامی که از آن درخت چشیدند، اندامشان [عورتشان] بر آنها آشکار شد و شروع کردند به قراردادن برگ‌های [درختان] بهشتی بر خود، تا آن را بپوشانند».

اعراف، ۲۶: «یا بَنِی آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنا عَلَیکمْ لِباساً یوارِی سَوْآتِکمْ وَ رِیشاً وَ لِباسُ التَّقْوی ذلِک خَیرٌ: ای فرزندان آدم، لباسی برای شما فرستادیم که اندام شما را می‌پوشاند و مایه زینت شماست؛ اما لباس پرهیزگاری بهتر است».

اعراف، ۲۷: «یا بَنِی آدَمَ لایفْتِنَنَّکمُ الشَّیطانُ کما أَخْرَجَ أَبَوَیکمْ مِنَ الْجَنَّةِ ینْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما لِیرِیهُما سَوْآتِهِما: ای فرزندان آدم، شیطان شما را نفریبد، آن گونه که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباسشان را از تنشان بیرون کرد تا عورتشان را به آنها نشان دهد».

چینش منطقی این سه آیه اهمیت دارد. طبق آیه اول فقط آدم و حوا مورد نظر است زمانی که هنوز در بهشت‌اند؛ اما پس از استفاده از شجره ممنوعه عریان می‌شوند و متوجه زشتی برهنگی خود می‌شوند؛ زیرا تصریح شده است که به‌سرعت شروع به پوشاندن خویش با برگ می‌کنند و بر اساس آیه دوم در پی نیاز به پوشیدگی که در آدم و حوا ایجاد شد، خطاب، متوجه همه انسان‌هاست (بنی‌آدم) و برای نوع بشر لباس نازل می‌شود، زیرا برگ درختان کارکرد جامع برای پوشش مطلوب را نداشته، فقط بخشی از بدن را می‌پوشانند و آیه سوم نقش شیطان و استفاده او از برهنگی انسان‌ها برای فریب آنان [و لباسشان را از تن آنان بیرون کرد تا عورتشان را به آنها نشان دهد] و اخراج آدم و حوا از بهشت را گوشزد می‌کند.

۲. آیات ناظر به ابزار تهیه پوشش و زینت

در سوره نحل ابزار مربوط به پوشش آمده است: «در چهارپایان وسیله پوشش را آفرید» (نحل، ۵) و «در دریا ابزار زینت لباس را آفرید مانند مروارید» (نحل، ۱۴).

۳. کارکرد طبیعی پوشش؛ محافظت از گرما و سرما

در همان سوره نحل به کارکرد طبیعی پوشش اشاره می‌شود: «و برای شما پیراهن‌هایی آفریده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می‌کند» (نحل، ۸۱). گرچه ممکن است گفته شود حفظ از گرما و سرما به وسیله پوشش به سیر تدریجی تشریع حجاب ارتباط ندارد، زیرا در مقام بیان شمارش یکی از نعمت‌های الهی است و فرقی ندارد در مکه گفته شود یا مدینه، اما زمانی که این واحدِ اطلاعاتی

در سیر آیات پوشش قرار گیرد، معنادار می‌شود.

۴. تعیین و تبیین حجاب اختصاصی گروهِ خاص زنان

در مرحله چهارم با توجه به جایگاه اجتماعی و سیاسی همسران و دختران پیامبر ﷺ و زنان مؤمن، حکم ویژه‌ای در مورد مواجهه نامحرمان با آنان و نیز قرارگرفتن همسران در برابر نامحرم مطرح می‌شود که با توجه به آیات قبل و بعد آن مشخص می‌شود قابل تعمیم به همه زنان مسلمان نیست. در سوره احزاب دو آیه در رابطه با حجاب وجود دارد:

«**وَ إِذا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتاعاً فَسْئَلُوهُنَّ مِنْ وَراءِ حِجابٍ ذلِکمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِکمْ وَ قُلُوبِهِن**: پس چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید، از پشت پرده بخواهید، این کار برای پاکی دل‌های شما و آنها بهتر است.» (احزاب، ۵۳).

«**یا أَیهَا النَّبِی قُلْ لِأَزْواجِک وَ بَناتِک وَ نِساءِ الْمُؤْمِنینَ یدْنینَ عَلَیهِنَّ مِنْ جَلاَبِیبِهِنَّ ذلِک أَدْنی أَنْ یعْرَفْنَ فَلا یؤْذَینَ وَ کانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحیماً**: ای پیامبر، به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو جلباب‌ها [روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند، این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است [و اگر تا کنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده توبه کنند] خداوند همواره آمرزنده رحیم است» (احزاب، ۵۹).

در مورد آیه اول با توجه به شأن نزول آیه و استدلال قائلان به قول مشهور که می‌گویند آیه در رابطه با آداب میهمانی‌رفتن به خانه پیامبرﷺ نازل شد که در پایان آن آمده است:«... و اگر متاعی از زنان پیامبر خواستید، از پس حایلی بخواهید، این برای پاکی قلوب شما و آنان بهتر است»، خداوند بر مؤمنان واجب نموده به هنگام درخواست چیزی از زنان پیامبر، باید درخواست آنان از ورای حجاب یعنی پرده باشد؛ از سوی دیگر خصوصیتی برای وقت درخواست‌کردن نیست و با الغای خصوصیت از وقت درخواست، این حکم در تمام اوقات جریان دارد. مستفاد از آیه این است که باید بین زن و مرد بیگانه حایلی باشد که زن، مرد را و مرد، زن را نبیند. این حایل گاه دیوار و گاه لباس زنان است. در شأن نزول آیه آمده است که وقتی پیامبر اکرمﷺ با زینب بنت جحش ازدواج کرد و به همین مناسبت ولیمه داد، مردم می‌آمدند و پس از تناول غذا به گفت‌وگو با حضرت می‌پرداختند. پیامبر که تازه ازدواج کرده بود، دوست داشت آنان زودتر از خانه بروند، ولی شرم و حیایش مانع اظهار این مطلب می‌شد (ر.ک: صدوق، ۱۳۸۵، ج۱، ص۶۵). گفته می‌شود غیر از صیغه‌ها و ضمایر مذکری که در خطاب آیه به کار رفته، وظایف خواسته‌شده نیز معطوف به مردان

است؛ بدین‌جهت می‌فرماید: «وارد خانه پیامبر نشوید، مگر آنکه بـه شـما اجـازه داده شـود و...». روشن است همه این کارها وظیفه مردان است. به همین علت آیه مذکور اساساً بر وجـوب پوشـش زنان دلالتی ندارد (محقق داماد، ۱۴۱۶، ج۱، ص۳۵۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸، ص۵۷۸). این برداشت با توجه به نظام آیات سوره احزاب پذیرفتنی نیست، زیرا گرچه خطاب در بخشی از آیات بـه مـردان است، ناظر به نوع تعامل آنان با زنان پیامبر و تعامل زنان پیامبر با آنان است و می‌توان پـذیرفت کـه آیات حجاب در این سوره به طور اختصاصی برای زنان پیامبر است و از آنجا کـه در بخـش پایـانی آیه به مردان مسلمان دستور می‌دهد که پس از مرگ پیامبر با همسرانش ازدواج نکنند، نمی‌توان ایـن بخش از آیه را که در همان سیاق آورده شده، درباره تمام زنان مسلمان دانست. از این جهت برخـی معتقدند همان گونه که آیه از نظر مصداقی اخص است و تنها شـامل نـوع برخـورد مـردان بـا زنـان پیامبر اکرم ﷺ می‌شود، از نظر مفهومی نیز اخص از مفهوم حجاب است؛ زیرا آیه بیانگر این اسـت که اخذ، اعطا و سخن‌گفتن مردان با زنان پیامبر نباید بدون پرده و حضوری صورت گیرد؛ بلکه باید حایلی میان آنان باشد؛ لذا مردان اندام زنان پیامبر را حتی به صورت پوشیده نباید ببینند. این نـوعی خاص از حجاب است و شاید به همین علت این حکم، خـاص زنـان پیـامبر اسـت (ر.ک: خلفـی، ۱۳۸۶، صص۹۰ و ۹۳).

به نظر می‌رسد بر فرض پذیرش تسری حکم از مردان به زنان، واضح است که این بخش از آیه، محفوف به قراینی است که حکمش خاص زنان پیامبر است. آیاتی کـه بـه‌صـراحت می‌فرمایـد: ای زنان پیامبر اگر عمل زشتی انجام دهید، عذابتان دو برابر (یضاعف لها العذاب ضـعفین) (احـزاب، ۳۰) و اگر عمل نیکی انجام دهید، پاداشتان دو برابر خواهد بـود (نؤتهـا اجرهـا مـرّتین) (احـزاب، ۳۱)، ای زنان پیامبر شما مانند سایر زنان نیستید، به هنگام سخن‌گفتن صدای خود را نازک نکنید تا انسان‌های مریض‌القلب به طمع نیفتند (احزاب، ۳۲)، در خانه‌هایتان بنشینید و... (احـزاب، ۳۳)، ناظر به این است که احکام ویژه زنان پیامبر ﷺ به سبب منزلت و جایگاه اجتمـاعی و سیاسـی آنـان متفاوت از دیگر زنان بوده است. البته گفتنی است آیه تطهیر که در انتهای آیـه ۳۳ احـزاب و در پـی دستورهایی به زنان پیامبر ﷺ آمده است، در این چرخه قرار نمی‌گیرد؛ زیرا مجموعه آیات مربوط بـه زنان با ضمیر جمع مؤنث (کنّ، اقمن، اطعن و...) آمده است و در آیه تطهیـر ضـمیر جمـع مـذکر «کُم» جهت خطاب استفاده شده است.

برخی مفسران این حکم را عام دانسته و شامل مجموعه زنان مسلمان و نـه‌تنهـا زنـان پیـامبر ﷺ می‌دانند (ر.ک: مغنیه، ۱۴۲۴، ج۶، ص۲۴۰؛ حسـینی شـیرازی، ۱۴۲۴، ج۴، ص۳۵۳؛ طیـب، ۱۳۶۹،

ج۱۰، ص۵۲۷) و درمقابل مفسران دیگری آن را حکم خاص زنان پیامبر ﷺ می‌دانند (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰، ج۲۱، ص۳۲۸؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج۱۷، ص۴۲۸ـ۵۰۰). خانم راث رودِد،[1] استاد دانشگاه عبری اورشلیم در مدخل «زن و قرآن» در **دایرةالمعارف قرآن** لایدن، این آیات را حکم اخلاقی حجاب می‌داند که در ابتدا اختصاص به همسران پیامبر داشت و بعدها مسلمانان آن را به تمامی زنان مسلمان تسرّی دادند (رودد، ذیل مدخل «زنان در قرآن»). این مطلب با توجه به آیه دوم یاد شده و آیات سوره نور قابل نقد است (جلالی کندری و نبئی، ۱۳۹۴، ص۱۱۸).

درمجموع بر اساس آیات سوره احزاب، حکم حجاب اختصاصی همسران و دختران پیامبر ﷺ صادر شد که به واسطه جایگاه حساس اجتماعی آنان و تعابیر قرآنی «العذاب ضعفین» و «اجرها مرتین» و «قرن فی بیوتکنّ» غلیظ‌تر از حکم عمومی حجاب است و پشت‌پرده‌بودن و خانه‌نشینی از آنها استنباط می‌شود. اما حکم حجاب به اینجا ختم نشده و در سوره‌های بعدی حجاب شرعی عمومی در دایره‌ای وسیع‌تر برای عموم زنان مسلمان مطرح می‌شود؛ از این رو ادعای تعمیم حکم اختصاصی حجاب از زنان پیامبر ﷺ به عموم زنان مسلمان بی‌اساس است.

۵. تشریع حجاب عمومی

پیش از این بیان شد که بر سوره نور بر اساس ترتیب تاریخی ابن‌عباس ۱۰۲ و بر اساس ترتیب آیت‌الله معرفت، ۱۰۳ (معرفت، بی‌تا، ص۵۶) و در ترتیب بازرگان، ۱۰۵ است و در هر حال پس از سوره احزاب است. گفته می‌شود سوره نور در سال هشتم هجری نازل شد (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج۲، ص۱۲۴۳) و با توجه به شأن نزول و برخی آیات مانند ماجرای افک که در این سوره مطرح شده و به لحاظ تاریخی می‌دانیم این آیات پس از نزول آیات حجاب اختصاصی زنان پیامبر یعنی پس از احزاب نازل شده است (واحدی نیشابوری، ۱۴۱۱، ص۳۲۹).

در آیه ۳۱ سوره نور، «وَ قُلْ لِلْمُؤْمِناتِ یَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصارِهِنَّ وَ یحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لایبْدِینَ زینَتَهُنَّ إِلاَّ ما ظَهَرَ مِنْها: و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را [از نگاه هوس‌آلود] فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را ـ جز آن مقدار که نمایان است ـ آشکار ننمایند و...»، حکم عمومی حجاب با جزئیات آن مطرح شده است و مخاطب، «مؤمنات» است؛ در حالی که در سوره احزاب، در بین گروه مورد نظر، «نساء المؤمنین» یعنی زنانِ مردان مؤمن مورد خطاب‌اند.

1. Ruth Roded.

از سویی در پایان آیه کارکرد اصلاح اجتماعی برای حجاب مطرح می‌شود. سوره نور با آیـه «سُـورَةٌ أَنْزَلْناها وَ فَرَضْناها وَ أَنْزَلْنا فیها آیاتٍ بَیناتٍ لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُون: [ایـن] سـوره‌ای اسـت کـه آن را فـرو فرستادیم و [عمل به آن را] واجب نمودیم و در آن آیـات روشـنی نـازل کـردیم، شـاید شـما متـذکر شوید» آغاز شده است. در مورد معنـای فَرَضْـناها کـه بـه صـورت فَرَّضْـناها (زجـاج، ۱۹۹۴، ج۴، ص۲۷) نیز خوانده شده است، تفاسیر متفاوتی وجود دارد. ماتریدی (متوفـای ۳۳۳) «فرضـناها» را به معنای الزام در فرایض و آداب دانسته است (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج۷، ص۵۰۵). ثعلبی می‌گویـد: در آن احکام واجب را بیان کردیم و به قرائت حسـن، مجاهـد و ابـن‌کثیـر و ابـوعمرو «فَرَّضْـناها» یعنـی بـه‌تفصـیل و روشـن بیـان کـردیم (ثعلبـی، ۱۴۲۲، ج۷، ص۶۳). بـر اسـاس تفسـیر **مجمـع البیـان** «فَرَضْناها» یعنی واجب کردیم که شما و آیندگان تا روز قیامت به مضمون آن عمل کنیـد (طبرسـی، ۱۳۷۲، ج۷، ص۱۹۶). نیز گفته شده یعنی در آن فرایض مختلف را بیان کـردیم (ماتریـدی، ۱۴۲۶، ج۷، ص۵۰۵؛ ابن‌الهائم، ۱۴۲۳، ص۲۴۴). به نظر علامه طباطبایی یعنی این سوره را نازل کـردیم و عمل به آنچه را از احکام که در آن است، واجب کردیم (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج۱۵، ص۷۸).

گرچه به اعتقاد برخی مفسران آغاز سوره نور با تعبیر «سُورَةٌ أَنْزَلْناها وَ فَرَضْناها وَ أَنْزَلْنا فیهـا...» نشان‌دهنده وجوب احکام و قوانین در کلّ سوره است (بهبودی، ۱۳۶۹، ص۱۳۳)؛ امـا برخـی دیگـر فرضناها را به معنای «بیّنّاها» دانسته‌اند (ماتریدی، ۱۴۲۶، ج۷، ص۵۰۵؛ طوسی، بـی‌تـا، ج۱، ص۱۸؛ ابن‌الهائم، ۱۴۲۳، ص۲۱۵).

مجموعه احکام در این سوره، از حوزه فردی خارج و در حوزه اجتماعی وارد شده اسـت و اگـر «فرضناها» دربردارنده معنای وجوب باشد، حال که همه احکام اجتماعی اسـت چگونـه حجـاب، شخصی می‌شود؟

۶. رخصت به زنان مأیوس از زناشویی

در اواخر سوره نور و پس از تشریع عمومی حجاب، آیه رخصت و تقلیل تکلیف حجاب بـرای زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، نازل می‌شود که البته دربردارنده شرایطی نیز هسـت. در این آیه خداوند متعال می‌فرماید: «وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِـی لَایرْجُـونَ نِکاحًـا فَلَـیسَ عَلَـیهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ یضَعْنَ ثِیابَهُنَّ غَیرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِینَةٍ وَأَنْ یسْتَعْفِفْنَ خَیرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِیعٌ عَلِـیمٌ: و بـر زنـان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند، گناهی نیست که روپوش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند و عفت‌ورزیدن برای آنها بهتر است و خدا شنوای داناسـت» (نـور، ۶۰).

اگرچه گفته می‌شود لحن آیه، منصرف از لباس‌های داخلی است و به لباس‌های بیرونی منطبق می‌شود (عبدالهی، ۱۳۶۹، ص۱۶۷). برخی می‌گویند گرچه «ثیابهن» جمع است، از نظر ادبی در حکم مفرد است؛ یعنی هر خانمی از خانم‌های شوهردار می‌تواند یک جامه خود را کم کند و آن جامه می‌تواند همین جلباب باشد که شعاری است و نه اِزاری که عورت را می‌پوشاند و نه خماری که سر و برِ او را می‌پوشاند (بهبودی، ۱۳۸۴، ص۴۹۲ـ۵۲۹). اجمالاً حکم قرآن در لزوم حجاب و پوشش به شکلی که در آیه ۳۰ سوره نور بیان شد، در آیه ۶۰ با شرایط مذکور از زنان یائسه و کهنسال و نومید از ازدواج برداشته شده است؛ ولی در تشخیص میزان معافیت، اختلاف اقوال وجود دارد.

درمجموع، شش مرحله یادشده از نقطه‌ای آغاز و به‌تدریج به نقطه کمال تربیتی و انتقال پیام می‌رسد و افزون بر تشریع حکم، روش ترویج و تبلیغ آن را نیز فرا راه مبلغان قرار می‌دهد. نکته قابل توجه این است که در سرتاسر قرآن، چه در آیات و سوره‌های مکی و چه مدنی با بیان اوصاف زنان بهشتی گفتمان‌سازی «زنِ برتر یا تراز با شاخصه پوشیدگی» مشاهده می‌شود. تعابیری مانند «كَأَمْثالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُون» (واقعه، ۲۳) و «كَأَنَّهُنَّ بَيضٌ مَكْنُونٌ» (صافات، ۴۹) و توصیف دو گروه از زنان بهشتی با «حُورٌ مَقْصُوراتٌ فِي الْخِيام» (الرحمن، ۷۲) و «وَ عِنْدَهُمْ قاصِراتُ الطَّرْفِ عين» (صافات، ۴۸) و نیز سوره ص آیه ۵۲ و الرحمن آیه ۵۶ از این دست‌اند.

نتیجه

حجاب شرعی به عنوان حکم فقهی در تعالیم اسلامی از طرق گوناگون قابل تحلیل و اثبات است. در قرآن کریم به‌تصریح و با جزئیات، محدوده حجاب شرعی مشخص شده است و روایات نیز مبین و مفسر آیات حجاب‌اند. بررسی روند تشریع حجاب با توجه به ترتیب موضوعی نزول سور به کشف واقع منجر نمی‌شود؛ اما بر اساس ترتیب تاریخی نزول می‌توان ارتباط منطقی و معناداری بین آیات حجاب یافت. بر اساس ترتیب تاریخی نزول، در چهار سوره به طور صریح یا تلویح به اصل پوشش و حجاب پرداخته شده است؛ سوره‌های اعراف (سوره ۳۸)، نحل (سوره ۷۰)، احزاب (سوره ۹۰) و نور (سوره ۱۰۳). مراحل شکل‌گیری حکم شرعی حجاب طی شش مرحله از بیان نیاز فطری بشر به پوشیدگی آغاز شده که در سوره اعراف آمده است؛ سپس ابزار تهیه پوشش و زینت‌های مخصوص به لباس مطرح شده و بعد کارکرد طبیعی پوشش که حفظ از گرما و سرما و خطرهای ناشی از آن است. در مرحله چهارم حجاب اختصاصیِ زنان و دختران پیامبر ﷺ و

زنانِ مردان مؤمن تشریع می‌شود و در مرحله پنجم تشریع حجاب شرعی عمومی و سپس رخصت سالمندان از پوشیدگی کامل صورت می‌گیرد. این ترتیب و تشریعِ مرحله‌ای مطابق با «اصل تدرّج» در روان‌شناسی یادگیری است و می‌تواند الگوی قرآنی در تبلیغ حجاب شرعی باشد؛ به این معنا که حجاب شرعی باید با اندیشه و انگیزه طی مراحل منطقی صورت گیرد و در عصر حاضر نیز با طی همین مراحل قرآنی و شروع از پوشیدگی طبیعی که مهیاکننده اندیشه برای پذیرش است و ارائه تصویر زنان بهشتی که انگیزه معنوی را برمی‌تابد، به تعمیق و ترویج حجاب شرعی پرداخت و در انتها با جایگاه فقهی و تعبدی آن اشاره کرد. نکته دیگر اینکه بر اساس نظام‌واره سوره نور و بیان حکم حجاب در بین احکام اجتماعی زنان و مردان مؤمن در این سوره، حکم حجاب در سنخ امور اجتماعی و نه فردی و شخصی قرار می‌گیرد.

منابع

* قرآن کریم.
۱. ابن‌الهائم، احمد بن محمد بن عماد (۱۴۲۳). التبیان فی تفسیر غریب القرآن. تحقیق ضاحی عبدالباقی محمد، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۲. ابن‌سعد، محمد (۱۴۱۸). الطبقات الکبری. بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳. ابن‌عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت، مؤسسه التاریخ العربی.
۴. ابن‌ندیم، محمد بن إسحاق (۱۴۰۱). کتاب الفهرست للندیم. تحقیق رضا تجدد، بی‌جا، بی‌نا.
۵. ابوهلال عسکری (۱۴۱۲). فروق اللغویه. قم، مؤسسة النشر الإسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۶. النفراوی المالکی، احمد بن غنیم بن سالم (۱۴۱۵). الفواکه الدوانی علی رسالة ابن‌ابی‌زید القیروانی. بیروت دار الفکر.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱). الجامع الصحیح. بیروت، دار الفکر.
۸. بهبودی، محمدباقر (۱۳۶۹). حجاب شرعی. مجله حوزه، ۷ (۴۲)، ۱۵۰ـ۱۳۲.
۹. بهبودی، محمدباقر (۱۳۸۴) معارف قرآنی. قم، نشر اسراء.
۱۰. بهجت‌پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). تفسیر همگام با وحی، مقدمه و روش قرآن در نهادینه‌کردن ربوبیت در جامعه صدر اسلام. قم، تمهید.
۱۱. پارسا، محمد (۱۳۷۲). روان‌شناسی یادگیری بر بنیاد نظریه‌ها. تهران، انتشارات بعثت.
۱۲. ترکاشوند، امیرحسین (۱۳۸۹). حجاب شرعی در عصر پیامبرﷺ، در: t.me/baznegari/4.
۱۳. توفیقی، فاطمه (۱۳۹۶). سیر تطور تفسیر آیات قرآنی حجاب (احزاب، ۵۹ و نور، ۳۱). پژوهش‌های ادیانی، ۹، ۶۷ـ۹۱.
۱۴. ثعلبی (۱۴۲۲). الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی). بیروت، دار إحیاء التراث العربی.
۱۵. جلالی کندری، سهیلا، و نبئی، ساجده (۱۳۹۴). بررسی نظر خانم راث رودد در مورد حجاب به عنوان یک وظیفه اخلاقی همسران پیامبرﷺ. پژوهش‌های اخلاقی، ۱۹، ۱۱۵ـ۱۲۶.
۱۶. حسینی شیرازی، محمد (۱۴۲۴). تقریب القرآن الی الاذهان. لبنان، دار العلوم.
۱۷. خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷). دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، تهران، نشر دوستان.
۱۸. خلفی، مسلم (۱۳۸۶). بازنگرش درون‌دینی به حجاب. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۳۷، ۷۵ـ۱۳۲.
۱۹. درتاج، فریبرز، و خانی، محمدحسین (۱۳۹۳). روان‌شناسی یادگیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۰. راغب اصفهانی (۱۴۲۷). مفردات الفاظ القرآن. تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم، طلیعه النور.

۲۱. الزجاج، ابواسحاق ابراهیم بن السری (۱۹۹۴) معانی القرآن و إعرابه. تحقیق عبدالجلیل شلبی، قاهره، دار الحدیث.
۲۲. زرقانی، محمد عبدالعظیم (بی‌تا). مناهل العرفان فی علوم القرآن. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۳. سپنجی، امیرعبدالرضا، و مؤمن‌دوست، نفیسه (۱۳۹۰). اقناع و تغییر نگرش، جایگاه آن در سیره ارتباطی امامان معصوم ﷺ؛ مروری بر مناظرات مکتوب حضرت امام رضا ﷺ. دین و ارتباطات، ۲ (۱۸)، ۱۴۴ـ۱۱۷.
۲۴. سیف، علی‌اکبر (۱۳۸۶). روان‌شناسی پرورشی نوین؛ روان‌شناسی یادگیری و آموزش. تهران، نشر دوران.
۲۵. سیوطی (بی‌تا). اسرار ترتیب القرآن. عبدالقادر احمد عطاء، قاهره، دار الاعتصام.
۲۶. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۲۱). الاتقان فی علوم القرآن. تحقیق فواز احمد زمرلی، بیروت، دار الکتاب العربی.
۲۷. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۴). الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور. قم، نشر کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۸. صادقی نیری، رقیه (۱۳۸۹). حجاب و مراحل تشریع آن در قرآن. فصلنامه قرآنی آفاق، ۱، ۸۱ـ۷۷.
۲۹. صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۵). علل الشرایع. قم، کتابفروشی داوری.
۳۰. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰) المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۳۱. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم (۱۴۰۹). العروة الوثقی. بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۳۲. طبرسی (۱۳۷۲). مجمع البیان. تصحیح هاشم رسولی، تهران، ناصرخسرو.
۳۳. طوسی، محمد بن حسن (شیخ طوسی) (بی‌تا). التبیان فی تفسیر القرآن. تحقیق احمد حبیب عاملی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۴. طیب، عبدالحسین (۱۳۶۹). اطیب البیان. تهران، نشر اسلام.
۳۵. عبدالهی، محمود (۱۳۶۹). نقدی بر مقاله حجاب شرعی. مجله حوزه، ۴۸، ۱۵۹ـ۱۷۹.
۳۶. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق) تفسیر العیاشی. تحقیق هاشم رسولی، تهران، مکتبة العلمیة الاسلامیة.
۳۷. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۸). تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیلة ـ کتاب الصلاة. قم، ناشر مؤلف.

۳۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰). التفسیر الکبیر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۹. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹). کتاب العین، قم هجرت.
۴۰. القاری، علی بن سلطان محمد (۲۰۰۱/۱۴۲۲). مرقاة المفاتیح، شرح مشکاة المصابیح، جمال عینانی. بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴۱. کلینی، محمدب ن یعقوب (۱۴۰۴). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۴۲. کیادربندر سری، علی (۱۳۹۴). مدیریت بدن با تأکید بر نگرش اسلامی. قم، انتشارات آل یاسین.
۴۳. ماتریدی، محمد بن محمد (۱۴۲۶). تأویلات أهل السنة. بیروت، دار الکتب العلمیة و منشورات محمد علی بیضون.
۴۴. محبوبی‌منش، حسین (۱۳۸۶). تحلیل اجتماعی مسئله حجاب. مطالعات راهبردی زنان، ۳۸، ۸۸ـ۱۳۴.
۴۵. محقق داماد، سید محمد (۱۴۱۶). کتاب الصلاة. قم، جماعه المدرسین.
۴۶. معرفت، محمدهادی (۱۴۱۰). التمهید فی علوم القرآن. قم، مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۴۷. معرفت، محمدهادی (بی‌تا). علوم قرآن، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التهمید.
۴۸. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴). التفسیر الکاشف، قم، دار الکتاب الاسلامی.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۵۰. واحدی نیشابوری، علی بن احمد (۱۴۱۱). اسباب نزول القرآن. تحقیق کمال بسیونی زغلول، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۵۱. یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب (۱۴۱۳). تاریخ یعقوبی. تحقیق عبدالامیر مهنا، بیروت، شرکت الاعلمی للمطبوعات.
52. Roded, Ruth (2002). woman and the Quran. Encyclopedia Of Quran.